

## Deep Structure of the Phono-Semantic Layer in Surah Luqman

Dana Talebpour<sup>a\*</sup>

<sup>a</sup> PhD in Arabic language and literature, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

### KEYWORDS

Phonetics, Semantics,  
Sound, The Qur’an,  
Luqman

Received: 17 August 2022;  
Accepted: 04 November 2022

Article type: Research Paper

### ABSTRACT

The irreplaceable role of the Holy Qur’an in human life has brought phonetics to the aid of scholars of Islamic sciences in revealing connected layers of hidden meanings and concepts in this divine book and has brought about the implementation of extensive research on the coherence between phonetic and semantic layers of the ayahs of the Holy Qur’an. In order to achieve the aforementioned goal, The current descriptive-analytical study investigated the Phono-Semantic coherence in Surah Luqman. The relation between phonetic and signification aspects of ayahs in this surah are completely visible and sounds have exactly been employed proportionate to the meanings of the ayahs. Voiced sounds with a frequency of 71% and semi-voiced sounds with a frequency of 49% have the largest role in inducing the meanings of the ayahs. These sounds are followed by voiceless sounds (29%), plosives (27%) and fricatives (24%) in terms of frequency. The reason for the predominance of voiced and semi-voiced sounds is the meanings and register of the ayahs because this surah includes important topics such as the grandeur of the Holy Qur’an, the divine creation, the great resurrection day, monotheism, and moral values. These topics justify the need for the employment of sounds and on the other hand, whenever inciting the tender feelings of the audience is required, more ... fricative soothing sounds have been used so that the phonetic proportionality between the letters of the words and their meanings are completely evident and replacing them with other words is impossible.

\* Corresponding author.

E-mail address: [d.talebpour@ut.ac.ir](mailto:d.talebpour@ut.ac.ir)

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





## ژرف ساخت لایه آوایی - معنایی در سوره مبارکه لقمان

دانا طالب پور<sup>الف\*</sup>

<sup>الف</sup> دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
آواشناسی، معناشناسی، صوت، قرآن کریم، لقمان	نقش بی‌بدیل قرآن کریم در زندگی بشر، سبب شده است تا دانش آواشناسی، در راستای کشف لایه‌های به هم پیوسته معانی و مضامین نهفته در این کتاب مقدس، به کمک محققان علوم اسلامی بیاید و پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه انسجام میان لایه‌های آوایی و معناشناسی آیات قرآن کریم، صورت پذیرد. در پژوهش حاضر، در راستای نیل به هدف مزبور، به واکاوی انسجام آوایی - معنایی در سوره لقمان پرداخته شد. روش به کار گرفته شده، توصیفی - تحلیلی بوده و از خلال مبانی نظری مطرح و تطبیق آن‌ها بر آیات مبارکه، برخی نتایج حاصل شد: ارتباط بین جنبه‌های صوتی و دلالتی آیات سوره کاملاً مشهود است و اصوات دقیقاً در اقتضای معانی آیات به خدمت آمده‌اند. اصوات مجهور با بسامد ۰.۷۱٪ و متوسط با بسامد ۰.۴۹٪ بیش‌ترین سهم را در القای معانی آیات داشته‌اند و بعد از آن‌ها اصوات مهموس با بسامد ۰.۲۹٪، شدید ۰.۲۷٪ و سایشی ۰.۲۴٪ قرار دارند. دلیل غلبه اصوات مجهور و متوسط، ناظر بر معانی و سیاق آیات است؛ زیرا در این سوره درباره موضوعات مهمی چون: عظمت قرآن کریم، خلقت خداوند، رستخیز عظیم قیامت، توحیدگرایی و ارزش‌های اخلاقی سخن به میان آمده است که نیاز به کارگیری این اصوات را بیش‌تر توجیه می‌کند و در مقابل آن، در مواضعی که نیاز به برانگیختن احساسات لطیف مخاطب است، از اصوات مهموس و سایشی آرامش‌بخش افزون‌تری استفاده شده است؛ به گونه‌ای که تناسب آوایی میان حروف کلمات و معانی آن‌ها کاملاً مشهود است و جایگزین کردن آن‌ها با واژگان دیگر، غیرممکن است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳	
مقاله علمی پژوهشی	

### ۱. مقدمه

پیشرفت علوم در بسیاری از زمینه‌ها مانند فیزیولوژی و آناتومی بدن، این امکان را در اختیار آواشناسان قرار داد که بتوانند مخارج حروف را به شکل دقیق و علمی، تعیین کنند. آنان برای توصیف هر آوا، آن را به صورت مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشخص مانند: واکه‌ای، رهش، قدامی، تیغه‌ای و ... تجزیه کرده‌اند که ترکیب آن‌ها سازنده آوای مورد نظر می‌باشد (حق شناس، ۱۳۶۹: ۴۹). دانشمندان جدید اعتقاد دارند که امروزه گفتار انسان در مقایسه با مراحل اولیه و ساده آن بسیار تکامل یافته؛ زیرا اگرچه انسان نخستین در دوران ما قبل تاریخ برای سخن گفتن تلاش می‌کرد، ولی انگیزه اولیه او در این مسئله، تنها تصادف بوده است. نیروی شنوایی انسان نخستین، پیش از نیروی سخن گفتن او تکامل یافته است. بشر اولیه، برای رفع نیازهای ابتدایی خود، مانند جاذبه‌های جنسی یا دفاع در برابر دشمنان و حفظ نسل انسان‌ها، صدای خود و صداهای مظاهر طبیعت را به کار برده است (أنیس، ۱۳۷۴: ۱۲).

از رهگذر این حقیقت، امتیازات و ویژگی‌های متمایز زبان عربی سبب شده است تا از کلماتی برجسته و جمله‌هایی

متوازن و ترکیب‌هایی منسجم برخوردار شود و صداهای آن همگام و همراه با معانی آن باشد. خاورشناس ولیم مارسی می‌گوید «ترکیب عربی آکنده از موسیقی است و دلیل آن به ویژگی‌های خاصی است که در حروف، الفاظ و عبارات و موسیقی مکنون در آنها وجود دارد» (السلامی، د.ت: ۵۶).

در این میان، قرآن کریم به دلیل اهمیت والای آن در سطوح زندگی انسان و معارف ژرف نهفته در آن، محققان زبان‌شناسی و علوم اسلامی را بر آن داشته است تا با بررسی ابعاد دقیق جملات و کلمات و حروف موجود در ساختار ترکیبی آن بتوانند نقش ارزنده این کتاب مقدس را در القای معانی، روشن‌تر ساخته و از رهیافت مبانی ناب گفتار الهی سعادت زندگی دنیوی و اخروی انسان را نمایان‌تر سازند. از سویی دیگر کتابی که عظمت آن به دلیل وحیانی و آسمانی بودن و نزولش بر پیامبر عظیم‌الشأنش، مظهر روح‌بخشی و اعتلای مسلمانان و جامعه اسلامی گشته است، نیازمند آن است تا با دیدی عمیق به لایه‌های ساختاری و معنایی موجود در ژرفای آن نگرسته شود و تحلیل دقیقی نسبت به آن صورت گیرد. شکی نیست که این کتاب عظیم در قالب کلمات خود چنان بی‌بدیل و زائدالوصف است که متأمل دورانیش با اندکی غور در آن می‌تواند، انسجام موجود در بافتار کلمات آن را درک کند و شناختی عینی، منطقی و دور از جدال را نسبت به آن پیدا کند. خطابی گفته است: «قوت کلام در سه چیز است: لفظی که پدید آمده است و معنای متکی و قائم به آن و حلقه‌ای که ناظم آن‌ها را به یکدیگر ربط می‌دهد و هرگاه در قرآن تدبر کنید، این موازین را در غایت اتقان و ارجمندی خواهید یافت تا آن‌جا که هیچ لفظی را فصیح‌تر و بلیغ‌تر و گواراتر از الفاظ آن نخواهید یافت» (الصغیر، ۲۰۰۰: ۱۶۴).

آواها، کلمات و جملات موجود در قرآن کریم چنان در مکان خود جای گرفته‌اند که ذره‌ای جابجایی و اخلال در آفرینش و آرایش موجود می‌تواند دریافت موسیقی حاصل از آن‌ها را با دشواری روبه‌رو سازد. از این حیث ضرورت دارد تا از پنجره و زاویه‌ای دیگر به آیات این کتاب مقدس در قالب بررسی لایه‌های آوایی و موسیقایی، نگرسته شود تا از رهروی این رویکرد بتوان ابعاد معنایی حاصل از تنظیم و تألف موجود بین آن‌ها را به شکلی عمیق‌تر و برجسته‌تر در معرض دیدگان خوانندگان قرار داد. «شاید اگر بگوییم: زیبایی نظم قرآن که پایه و اساس اعجاز آن را تشکیل می‌دهد، بر ساخت ایقاعی استوار است که ساختار هر یک از سوره‌ها را به گونه‌ای خاص رنگ می‌بخشد، سخنی به گزاف نگفته‌ایم، بلکه این ویژگی موسیقایی به تناسب صور و اشکال متنوعی که در یک سوره مشاهده می‌شود و همین‌طور موضوع و مقتضای حال تفاوت دارد» (النجار، د.ت: ۲۲۷).

«قرآن کریم کلمه مناسب را از چند جهت و با معانی مختلف به کار برده است، اما استنباط صوتی آن، نشانگر مستقل بودن کلمه برگزیده است تا بدین وسیله بتواند به معنا و مدلول مورد نظر به شکل دقیق‌تر و عمیق‌تری رهنمون گردد؛ به طوری که از نظر فنی نمی‌توان آن را با هیچ کلمه دیگری جایگزین نمود؛ زیرا کلمه دیگر نمی‌تواند مقصود و مراد آگاهانه از آن را بیان کند و این یکی از نشانه‌های اعجاز بیانی قرآن است.» (الصغیر، ۲۰۰۰: ۱۸۸)

در این راستا، سوره لقمان به دلیل اهمیت چندجانبه معانی موجود در آن، از جمله طرح مباحثی چون: خداشناسی، حسابرسی انسان در روز قیامت، بیان عظمت قرآن کریم و جایگاه لقمان حکیم و توصیه‌های خردمندانه وی به فرزند خویش و موضوعات اخلاقی موجود در آن، ضرورت پژوهشی را اقتضا می‌کند که بتوان به تطبیق مباحث مطرح در دانش آواشناسی در کشف ابعاد معانی و ارتباط میان این دانش و معانی مکنون در آیات آن پرداخت و پاسخ

مناسبی را برای سؤالات زیر پیدا کرد:

۱. نقش دانش آواشناسی در کشف معانی آیات قرآن کریم چیست؟

۲. انسجام آوایی میان الفاظ و عبارات سوره لقمان چه نقشی در القای معانی داشته است؟

### ۱.۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

بی شک کشف ظرایف و لطافت‌های موجود در آیات قرآن هر چقدر هم ادامه یابد، باز هم نیازمند آن است تا با تکیه بر اصول مهمی که ساخت متنی الفاظ و آیات و به طور کلی یک اندیشه مکتوب را محور غنابخشی معانی مکنون در آن دانسته‌اند، به کشف روابط موجود در بین آن‌ها پرداخت و از سرّ عظیم نهفته در این کلام الهی که بر تارک زمانه و زمین همچون دریایی گهربار می‌درخشد، پرده برداشت. ضمن اذعان به این نکته محوری و اصلی، برخی سوره‌های قرآن به دلیل برخورداری از حکمت‌های ناب و معانی شایان توجه، ضرورت بهره‌گیری و تعمق در آن‌ها را در قالب رویکردی جدید و ژرف‌پژوهانه دوچندان می‌کند و شکی نیست که سوره لقمان در زمره این سوره‌های برتر است که موضوعات نهفته در آن، ضرورت پرداختن به کشف زیبایی‌شناسی آن را بر خواننده متأمل و ژرف‌نگر دوچندان می‌کند. پرداختن به مسائل و مضامینی چون: حسابرسی انسان در روز جزا، اشاره به عظمت یکتای خداوند سبحان در خلق آسمان‌ها و زمین، عظمت قرآن کریم، اعطای علم و حکمت به لقمان حکیم و توصیه‌های ارزنده و سفارشات اخلاقی وی در حق فرزندش، علم گسترده و نامتناهی خداوند تعالی، از جمله موضوعات مهمی است که بررسی آن‌ها در قالب ساختار متنی و موقعیتی جملات به کار رفته، اهداف و ضرورت این تحقیق را برملا می‌سازد و می‌تواند خلأ موجود در این رویکرد پژوهشی را مبرهن و مرتفع سازد.

### ۲.۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با محتوای سوره لقمان تاکنون پژوهش‌های چندی صورت گرفته است. از آن جمله است:

- حیدری، مرضیه (۱۳۹۹). در پژوهشی با عنوان: «تبیین و تحلیل اصول تربیتی از منظر قرآن با تأکید بر سوره لقمان» به بررسی مهمترین جنبه‌های اصول تربیت دینی قرآنی در این سوره پرداخته است.
- فجرین، فرح عدیلة (۲۰۲۱). در پژوهشی با عنوان: «تحلیل السبک النحوی فی سوره لقمان» به بررسی اصول ساختار نحوی سوره لقمان همچون ارجاع، جایگزینی، حذف و وصل پرداخته است.
- اشرف، عبدالله و حسینی، عبدالله (۱۹۹۱). در پژوهشی با عنوان: «الأسالیب البلاغیة فی سوره لقمان» به بررسی مهمترین جنبه‌های اسالیب بلاغی در سوره لقمان پرداخته‌اند.
- خضیر، برکة وبثینه، رجاء ونوال، باده (۲۰۲۰). در پژوهشی با عنوان: «دلالة الأفعال ماض - مضارع - أمر فی سوره لقمان» به بررسی دلالت‌های فعل‌های ماضی، مضارع و امر در سوره لقمان پرداخته است.
- أناس، محمد (۲۰۱۸). در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان: «تحلیل المنادی فی سوره لقمان (دراسة تحليلیة نحویة)» به بررسی ساختار منادا در سوره لقمان پرداخته است.
- کفراوی، محمد (۲۰۱۵). در پژوهشی با عنوان: «دراسة تحليلیة علی مکانة ومعانی حرف الجر من و علی فی سوره لقمان» به بررسی و تحلیل معانی حروف جرّ «من» و «علی» در سوره لقمان پرداخته است.
- خاکپور، حسین و عقدایی، فاطمه (۱۳۹۷). در پژوهشی با عنوان: «تحلیل متن‌شناختی سوره لقمان براساس نظریة کنش گفتار سرل» به بررسی انواع کنش‌های گفتاری از جمله اظهاری، عاطفی، تعهدی و ترغیبی پرداخته‌اند که

در این میان، کنش ترغیبی و تعهدی به ترتیب بیشترین و کمترین بسامد کاربرد را داشته‌اند.

- سوریانا، اندرا (۲۰۱۲). در پژوهشی با عنوان: «القيم التربوية الإسلامية في سورة لقمان (مقارنة بين تفسير الطبري وتفسير الصابوني)» به بررسی و تحلیل ارزش‌های تربیتی اسلامی موجود در سوره لقمان با تکیه بر تفاسیر طبری و صابونی پرداخته است.

- حمید، لیله یوسف (۲۰۰۸). در پژوهشی با عنوان: «التماسك النصي في سورة لقمان دراسة تطبيقية» به بررسی انسجام میان بافت ساختاری آیات این سوره پرداخته است و به برخی وجوه بلاغی مکنون در آیات اشاره کرده است.

بنابر آنچه گذشت در ارتباط با موضوع دلالت صوتی آیات این سوره مبارکه، تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی صورت نگرفته است، به همین خاطر جستار حاضر به دنبال آن است تا با واکاوی آیات بتواند به بررسی انسجام متبلور در آن‌ها بپردازد و ژرفای معانی برجسته موجود را در خلال دستاوردی نو و مکمل در عرصه پژوهش‌های گذشته ارائه دهد و سهم اثرگذاری در تبیین و تلقی ناشی از وجود انسجام بین صوت و معنا در این سوره داشته باشد.

### ۳.۱. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای بوده است و از رهروی مبانی نظری انسجام آوایی، نتایج قابل تأملی حاصل گردید.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### ۱.۲. صوت

هرگاه در جسمی لرزش تندی پدید آید و این لرزش، موجب جابجایی و ایجاد فشار بر مولکول‌های هوا گردد، «صوت» ایجاد می‌شود. «صوت» در حقیقت امواج هواست. این هوای مرتعش یا امواج فیزیکی، پرده گوش شنونده را نیز می‌لرزاند و از آنجا به گوش درونی و مغز می‌رسد و در نتیجه «صوت» شنیده می‌شود (باقری، ۱۳۸۰: ۸۹).

جاحظ در تعریف صوت می‌گوید: «صوت ابزار لفظ و گوهری است که به وسیله آن تقطیع و انسجام صورت می‌پذیرد و حرکات زبان تنها به وسیله صوت، به کلمه و کلام موزون و منشور در می‌آید» (جاحظ، د. ت، ۵۶/۱). بنابراین ارزش و اهمیت نطق شنیداری کلام از همین جا روشن می‌شود؛ چرا که نطق باعث برجستگی معنا می‌شود. همان طوری که سبب می‌شود ارزش‌های صوتی پنهان در الفاظ شکافته شود. گفتار صدایی یکنواخت و ممتد نیست، بلکه از حرکات مناسب و عمدی اندام‌های گویایی به صورت امواج صوتی ظاهر می‌شود و زبان هم به صورت رشته‌هایی از امواج صوتی که صورت‌های گفتاری را پدید می‌آورند، ظاهر می‌شود. صورت‌های گفتاری زبان به عنوان نشانه‌هایی برای بیان معانی به کار می‌روند و زبان هم میان شبکه بسیار گسترده معانی و شبکه صداها نوعی پیوند برقرار می‌کند (مشکوة الدینی، ۱۳۷۰: ۱۴). «صوت» را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد: «آواشناسی» و «واج‌شناسی». در «آواشناسی» کوشش می‌شود که روش، نظام و الگویی عرضه شود که با استفاده از آن، بتوان هر صدایی را توصیف نمود. در «واج‌شناسی»، اصوات به عنوان کوچک‌ترین واحدهای زبانی که از ترکیب آن‌ها واژه‌ها و عبارات ساخته می‌شوند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند (حق‌شناس، ۱۳۷۴: ۷۶).

### ۲.۲. انواع صوت

آواهای هر زبان، از دیدگاه فیزیکی در واقع امواج و ارتعاشات گوناگونی هستند که در اثر جابجایی و فشار بر هوایی که از مجرای گفتار می‌گذرد، ایجاد می‌شوند. توضیح اینکه هوایی که به هنگام بازدم از شش‌ها خارج می‌شود، در گلو با تارهای صوتی برخورد می‌کند و تارهای صوتی به هم نزدیک می‌شوند تا در راه جریان هوای بازدم، مانعی نسبی فراهم سازند. از برخورد هوا با تارهای صوتی و در نتیجه به حرکت درآمدن تارها، «واک» (مصوت) ساخته می‌شود (باقری، ۱۳۸۶: ۸۹). ممکن است هوا پس از عبور از حنجره، آزادانه از مجرای گفتار به بیرون جریان یابد یا این که امکان دارد در مسیر حرکت آن به طریقی ایجاد مانع شود. مشخصه‌های آوایی (واکه‌ای) و (همخوانی) برای توصیف این وضعیت به کار می‌روند (فالک، ۱۳۷۱: ۱۳۷).

آواهای همخوان، آن‌هایی هستند که به هنگام تلفظشان، گذرگاه هوا، در نقطه‌ای در داخل دهان، مسدود و یا بخشی از آن محدود می‌گردد (وال و رک، بی تا: ۳۰). مشخصه همخوانی ضرورتاً مستلزم ایجاد انسداد کامل در مسیر جریان هوا نیست. ممکن است در مسیر جریان هوا مانعی ایجاد شود، اما همزمان با آن، برای عبور آزادانه هوا از اطراف آن مانع، فضای کافی باقی گذاشته شود. (فالک، ۱۳۷۱: ۱۳۷). تعداد این آواها ۲۹ تا است که به ترتیب عبارتند از: «همزه قطع، ا، ب، ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، ل، م، ن، ه، و، ی».

آواهای واکه‌ای (مصوت) آن‌هایی هستند که به هنگام ایجادشان، گذرگاه هوا (حلق و دهان) کاملاً باز است و حفره‌های مافوق حنجره بر اثر تغییرات در شکلشان طنین‌های مختلف پدید می‌آورند (دیهیم، ۱۳۵۸: ۴۳). مصوت‌ها به دو دسته حرکات کوتاه (فتحه، ضمه و کسره) و حرکات کشیده (الف، واو و یاء) تقسیم می‌شوند (عکاشه، ۲۰۱۱م: ۱۷). اگر حرکات کوتاه و کشیده را با هم مقایسه کنیم، در می‌یابیم که اختلاف آن‌ها در مدت زمانی است که تلفظ آن‌ها طول می‌کشد و طول کشش حرکات کشیده، دو برابر حرکات کوتاه است (انیس، ۱۳۷۴: ۱۴۵). مصوت‌ها از دسته اصوات موسیقایی و صامت‌ها از اصوات غیرموسیقایی هستند (دیهیم، ۱۳۵۸: ۴۳).

### ۳.۲. صفات اصوات

هرکدام از اصوات زبان، دارای صفاتی هستند که هنگام پیدایش و خارج شدن حرف از محل و مخرج خود، بروز می‌کند و حروف با آن شناخته می‌شود (پورفرزب، ۱۳۷۷: ۵۰). مدار بحث در علم اصوات، همان صوت لغوی از حیث مخرج و از حیث صفتش (جهر، همس، شدت، رخوت و اصوات متوسط) است (النحاس، ۱۴۱۵ق: ۸۷). آواها را بر اساس لرزش یا عدم لرزش تارهای صوتی به هنگام تلفظ آنها نیز به دو دسته آواهای مجهور (واکدار) و مهموس (بی‌واک) تقسیم می‌کنند.

### ۱.۳.۲. مجهور (واکدار)

آواهای مجهور، آواهایی هستند که در اثنای تولید آنها، تارهای صوتی در حنجره به ارتعاش در می‌آیند. بدین ترتیب هنگام انقباض و بسته شدن چاکنای، تارهای صوتی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. از این رو، چاکنای تنگ می‌شود؛ اما جریان هوا هنوز می‌تواند از آن، عبور کند. با عبور هوا از این مجرا، تارهای صوتی به طور منظم مرتعش می‌شوند و ویژگی خاصی را ایجاد می‌کنند (انیس، ۱۳۷۴: ۲۰). در موقع تلفظ این حروف، جوهر صوت آشکار می‌شود و حروف به تندی و درستی ادا می‌شود و نفس قطع می‌گردد. این قطع صدا، باعث بلندی صدا می‌شود و مانعی در راه فعالیت اندام صوتی نیست (امیدالله کاشانی، ۱۳۶۳: ۱۲۴). در حالتی که به هنگام تولید صدا، تار آواها نزدیک به هم کشیده شوند، جریان هوا با فشار از میان آن‌ها عبور می‌کند و همین امر موجب به ارتعاش درآمدن آن‌ها می‌گردد. به

صامت‌هایی که تولید آن‌ها با ارتعاش تار آواها یا واک همراه است «واکدار» یا «مجهور» گفته می‌شود. آواهای مجهور عبارتند از: (ب، د، ذ، ر، ز، ج، ض، ظ، ع، غ، ن، م، ل، و، ی) (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۷۰: ۴۷).

### ۲.۳.۲. (بی‌واک)

آواهای مهموس، آواهایی هستند که در هنگام تولید آن‌ها، تارهای صوتی از هم جدا می‌باشند و به ارتعاش در نمی‌آیند (فرامکلین، ۱۳۷۸: ۵۲)، اما هنگام تولید این آواها، هوا در حلق یا دهان لرزش‌هایی را ایجاد می‌کند که هوای بیرون، آن‌ها را به گوش انتقال می‌دهد و انسان آن صدا را می‌شنود (أنیس، ۱۳۷۴: ۲۱).

«ابن جنی» اصوات مهموس را به نقل از سیبویه چنین تعریف می‌کند: «مهموس حرفی ضعیف است؛ بدین جهت، نفس و هوا به آرامی جریان پیدا می‌کند. آواهای مهموس عبارتند از: (س، ک، ت، ف، ق، ح، ث، ش، خ، ص، ط، ه). از سویی دیگر آواها براساس چگونگی عبور هوا هنگام تلفظشان به سه دسته آواهای شدید، رخوت و متوسط تقسیم می‌شوند:

### ۳.۳.۲. آواهای شدید (انفجاری)

حروف شدید، عبارتند از: حروفی که هنگام ادای آن صوت، نفّس از غایت شدت و قوّت، حبس می‌شود (پورفرزب، ۱۳۷۷: ۵۱). وقتی لب‌ها به شدت روی هم قرار می‌گیرند، در یک لحظه هوای خارج شده از شش‌ها، مسدود می‌شود، پس از آن، وقتی لب‌ها به طور ناگهانی باز می‌شوند، هوای مسدود شده صدای انفجاری را پدید می‌آورد. صداهایی که دارای صفت شدت هستند، هوا در مخرج هر یک از آنها حبس می‌شود و جلوی عبور آن گرفته می‌شود و زمانی که دو اندام ناگهان از هم جدا می‌شوند، هوا، صدایی انفجاری پدید می‌آورد. آواهای شدید عبارتند از: «أ، ب، ت، د، ط، ک، ق، ج» (أنیس، ۱۳۷۴: ۲۳).

### ۴.۳.۲. آواهای رخوت (سایشی)

هنگام تلفظ صداهای دارای «رخوت»، هوا به شدت حبس نمی‌شود و تنها در هنگام خروج هوا، مجرای آن صداها تنگ می‌شود. به واسطه این تنگی مجرا، هوا در حین عبور از مخارج صداها نوعی سایش را ایجاد می‌کند که میزان آن به نسبت تنگی مجرای هوا، فرق می‌کند. آواهای رخوت عبارتند از: «ز، ذ، ج، ش، ث، ص، ض، س، ف، خ، غ، ه، ظ» (پورفرزب، ۱۳۷۷: ۵۱).

### ۵.۳.۲. آواهای متوسطه (روان)

این آواها، آواهایی هستند که ابن جنی اصطلاح «حروف متوسطه» را بر آن‌ها اطلاق کرده و در مطالعات آواشناختی نوین به آن‌ها «آواهای روان» گفته می‌شود. یعنی آواهایی که نه صفت رخوت دارند و نه شدت. اصوات متوسط عبارتند از: (ل، ن، ع، م، ر) (طلیّمات، ۲۰۰۰: ۱۳۳).

## ۳. شناخت سوره لقمان

لقمان جزء بیست و یکمین سوره قرآن و دارای ۳۴ آیه است و جزء بیست و هفتمین سوره‌ای است که با حروف هجای مقطعه شروع می‌شود. تعداد کلمات آن بالغ بر ۵۵۰ کلمه و تعداد حروف آن ۲۱۲۱ حرف است و پنجاه و هفتمین سوره قرآن را تشکیل می‌دهد.

«مشهور و معروف میان مفسران این است که این سوره در مکه نازل شده گرچه بعضی مانند شیخ طوسی در تبیان، اندکی از آیات این سوره را مانند آیه چهارم که سخن از نماز و زکات می‌گوید و یا مانند فخر رازی که علاوه بر این، آیه ۲۷ را که از علم وسیع پروردگار بحث می‌کند، استثنا کرده‌اند، ولی دلیل روشنی برای این استثناها وجود ندارد، چرا که نماز و زکات (البته زکات به صورت کلی) در مکه نیز وجود داشته است و داستان شرح وسعت علم پروردگار نیز چیزی نیست که نشانه مدنی بودن در آن باشد. بنابراین سوره لقمان به حکم مکی بودن مشتمل بر محتوای عمومی سوره‌های مکی است، یعنی پیرامون عقاید اساسی اسلامی مخصوصاً مبدأ و معاد و همچنین نبوت بحث می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵/۱۷). «مباحث این سوره را می‌توان در پنج بخش تقسیم کرد:

بخش اول در باب عظمت و اهمیت قرآن کریم در هدایت بشر و تقسیم انسان‌ها به دو گروه در مقابل هدایت‌گری قرآن است (آیات ۱-۹). بخش دوم در باب برخی معجزات علمی قرآن از قبیل جاذبه و زوجیت گیاهان است و درباره برخی از نشانه‌های خدا در آفرینش آسمان و برپاداشتن آن بدون هیچ‌گونه ستون، آفرینش کوه‌ها و جنبندگان و ..... سخن رفته است (آیات ۱۰-۱۱). بخش سوم مربوط به نصایح و موعظه‌های حکیمانه لقمان به فرزندش است (آیات ۱۲-۱۹). بخش چهارم در باب دلایل ایمان به توحید و مبدأ و معاد است (آیات ۲۰-۳۲). بخش پنجم مربوط به ترسیمی از اوضاع رستاخیز و بیان علوم اختصاصی خداوند است (آیات ۳۳-۳۴).

هدف اساسی از ۳۴ آیه سوره لقمان، مبارزه با شرک و دوگانه‌پرستی و ایجاد توجه به خدا و سرای دیگر است. با بررسی مجموع آیه‌های این سوره، خواهیم دید که غرض نهایی از تشریح اسرار آفرینش و طرح مواعظ بزرگ دانشمند جامعه بنی اسرائیل؛ «لقمان»، همان توجه به خدای یگانه و محور آثار شرکت و بت‌پرستی است. دستوره‌های اخلاقی و اجتماعی لقمان، آن چنان مهم و سازنده است که آفریدگار جهان، سخنان و اندیشه‌های عالی او را در این سوره به عنوان عالی‌ترین نسخه سعادت و برنامه زندگی برای ما فروفرستاده است و چون پاره‌ای از آیات سوره مورد بحث را سخنان حکیمانه او تشکیل می‌دهد، از این جهت نام آن حکیم روی این سوره نهاده شده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۱: ۲۸).

#### ۴. چارچوب تطبیقی پژوهش

##### ۱.۴. ارتباط بین صوت و معنا در سوره لقمان

در این سوره، رابطه صامت‌ها و مصوت‌ها با معنای کلام و حالتی که از آهنگ آن‌ها، احساس می‌شود، کاملاً مشهود است. اگر صامت‌ها و مصوت‌ها به تناسب خاصی در محور همنشینی قرار گیرند و با نظم خاصی تکرار شوند، عامل مهمی در برجسته‌ساختن عناصر زبان به شمار می‌آیند که از نظرات صورت‌گرایان (فرمالیست‌ها) است. تکرار منظم صامت‌ها و مصوت‌ها موجب می‌شود که نوعی موسیقی درونی پدید آید که این موسیقی درونی در فرایند برجسته‌سازی (هنجارافزایی) زبان که صورت‌گرایان بدان باور دارند، جای دارد. به‌ویژه اگر این نوع هماهنگی صوتی با فضا و زمینه موضوع تناسب داشته باشد، بسیار مؤثر می‌افتد. (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۱۶) در ادامه به بررسی مهم‌ترین معانی دلالی ناشی از تناسب و همنشینی اصوات آیات سوره و تأثیر آن‌ها در انعکاس برجسته‌تر معانی کلام الهی پرداخته می‌شود. در این سوره مانند دیگر سوره‌های مکی شاهد انتشار اصوات مجهور در آیات بسیاری از آن‌ها هستیم؛ زیرا موضوع این سوره‌ها پیرامون ستیز پیامبران و مشرکان در اثبات وحی و رسالت و قیامت و حساب و جزا است و اثبات این



مسائل نیازمند بهره‌گیری از شدت و قوت و وضوح در گفتار است.

#### ۱.۱.۴. پیوند معنایی اصوات مجهور و مهموس در سوره لقمان

با بررسی آیات این سوره مشخص گردید، از مجموع ۱۵۶۶ حرف موجود، بخش قابل توجهی از آن را اصوات مجهور با بسامد (۱۱۰۰) مورد تکرار، (%۷۰) تشکیل می‌دهند؛ در حالی که اصوات مهموس با بسامد (۴۶۶) مورد تکرار، (%۳۰) از آیات آن را تشکیل می‌دهند. همان طوری که مشخص است، سوره با حروف مقطعه شروع شده است که پیرامون حقیقت آن، محل بحث فراوان است. در بخش اول آیات، مجموعاً (۲۰۹) حرف مجهور و مهموس به کار رفته است که غلبه آن با کثرت کاربرد اصوات مجهور (۱۵۷ مورد) در مقابل اصوات مهموس (۵۲ مورد) است. مجموع آیات این بخش، درباره حکیمانه بودن قرآن کریم و محتوای ارزشمند نهفته در آن است که برخی کوردلان و جاهلان به سبب عناد با آن، مردم را از گرایش به بهره‌مندی از کلام الهی باز می‌داشتند و به دو گروه متخاصم تبدیل شده بودند. طبیعی است که در آیات این بخش از الفاظ مجهور، بهره بیشتری گرفته شود. مضمون آیه ۶ این سوره: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ) در وصف کافران و گمراهانی است که از روی عناد و سرکشی از نشانه‌های هدایت الهی روی برمی‌گرداندند و در نزاع و تخاصم با داعیان حق و گمراه ساختن مردم، به نقل احادیث باطل روی می‌آوردند. نمونه شاخص آیه - بنا بر نقل برخی روایات -، شخص جاهلی به نام نضر بن حارث و پیروان وی است که به نقل اخباری بی‌پایه و اساس در مورد پادشاهان می‌پرداختند» (ابن عاشور، د.ت، ۱۴۱/۲۱). کلمه «لهو» به معنای هر چیزی است که آدمی را از مهمش باز بدارد و «لهو الحدیث» آن سخنی است که آدمی را از حق منحرف نموده و به خود مشغول سازد؛ مانند حکایات خرافی و داستان‌هایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند و یا از قبیل سرگرمی به شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو که همه مصادیق «لهو الحدیث» هستند. مراد از «سبیل الله»، قرآن است، بدان جهت که مشتمل بر قصص و معارف است و گویا مراد کسی که خریدار «لهو الحدیث» است، این است که مردم را از قرآن منحرف نموده و گمراه نماید و قرآن را به سخریه بگیرد. به این که به مردم بگوید این نیز حدیثی است مانند آن احادیث و اساطیری است چون آن اساطیر (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۱۶/۳۱۴). در این آیه، ترکیب اصوات مجهور (ل، م، ن، ب، د، ذ، ر، ز، ض، ع، غ، و، ی) و مهموس (س، ش، ت، ث، ح، خ، ک) باعث ایجاد طنین و آوایی خاص در القای معانی شده است که غلبه این تکرار با بسامد ۹ بار حرف (ل) است و در مراتب بعدی حرف (ن) و (م) هر کدام با بسامد ۵ بار قرار دارند. «در هنگام تلفظ حرف (ل)، عبور هوا از حنجره موجب ارتعاش تارهای صوتی می‌شود، سپس هوا از حلق و دو طرف دهان از مجرای تنگ می‌گذرد که سایش ضعیفی ایجاد می‌کند» (أنیس، ۱۳۷۴: ۶۳) که دقیقاً متناسب با نشانه سستی و بی‌مایگی اعمال افرادی است که به لهو الحدیث می‌پردازند. عاقبت این افراد نیز عذابی خوارکننده از سوی پروردگار خواهد بود. مضاف بر این اعتقاد، از جنبه زبان‌شناسی نیز دلیل غلبه بسامد بالای اصوات مجهور، این است که «بخش اعظم صداهای زبان مجهور هستند و طبیعی است که این طور باشد؛ چرا که در غیر این صورت، زبان عنصر موسیقایی و آهنگ طنین‌بخش خود از صمت و جهر و همس را از دست می‌دهد. حنجره تنها ابزار اساسی صوت است و هر صدایی که توسط انسان از مجرای غیر از آن برخیزد، مفهوم و روشن و روان نخواهد بود». (أنیس، د. ت: ۲۲). بنابراین چنین مواضعی نیازمند به‌کارگیری اصوات مجهور واضحی است که هر گوشی آن را بشنود و جایگاهی برای صداهای مهموس باقی نماند. «چرا که صداهای مهموس کمترین

وضوح شنیداری را دارند» (بشر، ۲۰۰۰: ۲۱۸). در رهگذر تبیین دلالتی بخش دوم به آیات ۱۰ و ۱۱ می‌رسیم. در آیه ۱۰: (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضِ زَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ) پس از آن که نعمت آرامش آسمان‌ها به وسیله ستون نامرئی و زمین به وسیله کوه‌ها تأمین شد، نوبت به آفرینش موجودات زنده و آرامش آن‌ها می‌رسد که در محیطی آرام بتوانند قدم به عرصه حیات بگذارند. خداوند می‌فرماید: «و در روی زمین از هر جنبنده‌ای منتشر ساخت: (وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ) که اشاره به تنوع حیات و زندگی در چهره‌های مختلف دارد؛ از جنبندگانی که از کوچکی با چشم عادی دیده نمی‌شوند و سرتاسر محیط ما را پرکرده‌اند گرفته تا غول‌پیکرانی که عظمت آن‌ها انسان را در وحشت فرومی‌برد. همچنین جنبندگان به رنگ‌های مختلف و چهره‌های کاملاً متفاوت، آبیان و هوازیان، پرندگان و خزندگان، حشرات گوناگون و مانند آن‌ها که هر کدام برای خود عالمی دارند و مسئله حیات را در صدها هزار آئینه منعکس می‌سازند. و این‌ها همگی نشانه لطف خدا به انسان‌ها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۱/۱۷). نکته قابل ملاحظه این است که از مجموع ۱۰۵ حروف مجهور و مهموس، اصوات مجهور با بسامد ۸۰ مورد، بیشترین سهم را در مقابل حروف مهموس با بسامد ۲۵ مورد به خود اختصاص داده‌اند. در اینجا ترکیب اصوات (ل، و، غ، ر، ب، ع، م، ن، ض، د، ب، ز) با اصوات (خ، ق، س، ت، ف، س، ت، ک، ث) نظم آهنگ خاصی به آیه بخشیده است، اما غلبه با کاربرد اصوات مجهور است؛ زیرا در این جا سخن درباره معرفی آیات عظمت خداوند در آفرینش آسمان‌ها و زمین و جنبندگان به انسان‌ها است و این موضوع نیازمند به‌کارگیری اصوات مجهوری است که بتوانند به تبیین بیشتر این مفهوم بیانجامند و عظمت خداوند و فضل و نعمت بی‌منتش را بر بندگان به شکل برجسته‌ای به نمایش بگذارند. از همین رهگذر روشن می‌شود «کلمات و اصوات در بررسی متون از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار هستند؛ چرا که آن‌ها بخش‌های کوچک و جزئی متن را تشکیل می‌دهند و بررسی پیوند و ویژگی‌های موجود در کاربرد آن‌ها سبب می‌شود تا تصور روشن و درک بهتری از ساختار کلی و بخش بزرگتر، یعنی؛ متن یا سوره داشته باشیم. بنابراین بررسی الفاظ برای فهم و درک متن، مقوله‌ای اجتناب‌ناپذیر است» (أولمان، د.ت: ۱۹). در این آیه، ارتباط تنگاتنگ آوای نرم و لطیف و معنای نرم و گوش‌نواز آن‌ها و بسامد کثرت تکرار حرف (ن) قابل ملاحظه بوده که دقیقاً متناسب با سیاق آیه است و به دلیل برخورداری از غنّه و موسیقی قابل تأمل در آن، سبب می‌شود تا نوعی روانی و سیولت و نرمی در بافت و سیاق آیه ایجاد شود؛ گویی سوره به دنبال این است که مقصود خود را به آرامی و درنگ به مخاطب ارائه کند. چرا که «نون از جمله صداهای مجهور دندانی و لثه‌ای است که مخرج آن بینی است» (بشر، ۲۰۰۰: ۳۴۹) و «در مقایسه با دیگر اصوات، به سرعت تحت تأثیر اصوات مجاور خود قرار می‌گیرد و بعد از (ل)، یکی از پرکاربردترین صداهای ساکن در زبان عربی است که در این حالت بیشترین تأثیرپذیری را از اصوات مجاور خود دارد و با حرف ما بعد خود پیوند مستقیمی پیدا می‌کند» (أنیس، د. ت: ۶۶). بعد از حرف (ن)، حرف (ل) با بسامد ۶ و (م) و (ن) هر کدام با بسامد ۹ بار، بیشترین تکرار را در بین حروف مجهور به خود اختصاص داده‌اند.

از بین اصوات مهموس نیز حروف (خ، ق، ت، ف، س، ت، ک، ث) نظم آهنگ خاصی به آیه بخشیده است. و حرف «س» با بسامد ۳ و حرف «ت» با بسامد ۴ بار، بیشترین نقش را در دلالت معنایی آیه داشته‌اند. در واقع تکرار صوت «س» آرامشی عمیق و قالبی نرم و لطیف و راحت را برای بیان معنا ایجاد می‌کند؛ چراکه «موسیقی ملایم، منفعل و آرام‌بخش بوده و می‌تواند استرس و اضطراب را کاهش دهد؛ از آن جایی که این آیات، صحنه‌ای از نعیم اخروی را به تصویر می‌کشند، موسیقی‌ای نیاز است که متناسب با آن خانه امن و آرام و به دور از اضطراب و تشویش و نگرانی باشد.

این ریتم نرم، مرهون صداهای مهموس است که در این آیات به کار رفته است». (خدابخش نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۵) کاربست حرف (ت) در این آیه، با صفت و مخرج ویژه خاص خود بر موضوع قدرت الهی و آیات و نشانه‌های منحصر به فرد وی تأکید می‌کند و بر انسان خردورز و اهل تعقل است که با درک این آیات و قدرت لایزال الهی بتواند به عظمت وی پی برده و بنده شاکری باشد. «هنگام نطق این حرف، وقتی گوشه زبان با ریشه دندان‌های بالایی و ابتدای لثه برخورد می‌کند، هوا به طور کامل می‌ایستد و مدتی فشرده می‌شود، سپس ناگهان زبان جدا می‌شود و نقطه برخورد را رها می‌سازد. بنابراین صدای انفجار شدیدی رخ می‌دهد بدون این که تارهای صوتی در هنگام نطق آن دچار لرزش شوند. بنابراین حرف (ت) صدایی دندانی، لثه‌ای، وقفی، انفجاری و مهموس است.» (بشر، ۲۰۰۰: ۲۴۹) وقوع استفهام انکاری در این آیه و کاربرد حروف تأکید در جمله اسمیه اخیر نیز دلیل دیگری بر اهمیت این مسئله است و بر تقریر عظمت قدرت خداوند در به حرکت درآمدن کشتی‌ها در دریا به واسطه لطف و رحمت الهی دلالت دارد.

بیشترین تقابل میان اصوات مجهور و مهموس در این سوره را می‌توان در بخش اندرز و نصیحت‌های حکیمانه لقمان نسبت به فرزندش در آیات (۱۲-۱۹) مشاهده کرد که در آن از مجموع ۳۹۸ حرف مجهور و مهموس، ۲۸۱ حرف مجهور و ۱۱۷ حرف مهموس هستند که بعد از آیات بخش سوم (۲۰-۳۲) در مرتبه دوم قرار می‌گیرند. در آیه ۱۲: (وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ) ترکیب اصوات مجهور (ل، د، ن، م، ر، ی، غ) با حروف مهموس (ق، ت، ح، ک، ش، ف، س) باعث ایجاد طنین معنایی زیبایی شده است که تکرار حرف مهموس «ش» لطافت خاصی به آن بخشیده است؛ چون این صوت، از اصوات نرم و لطیف است که به راحتی ادا شده و تکرار آن باعث ایجاد یک ریتم موسیقایی می‌شود که به دلیل امکان امتداد صوت آن، باعث اوج گرفتن موسیقی آن می‌شود. «ش» صوتی «طویل است که هنگام تلفظ مانند دیگر اصوات مهموس و حتی بیشتر از اصوات دیگر، دهان از بازدم پر می‌شود». (رجب، ۲۰۰۲: ۹۳) علت استفاده از صوت «ش» در آیه این است که خداوند می‌فرماید: حکمتی که به لقمان دادیم این بود که خدا را شکر بگزار. چون شکر عبارت است از به کار بردن هر نعمتی در جای خودش؛ به طوری که نعمت ولی نعمت را بهتر وانمود کند و به کار بردن نعمت به این نحو، محتاج است به این که اول منعم، سپس نعمت‌هایش، بدان جهت که نعمت اوست شناخته شود، سپس کیفیت به کار بردن در محلش؛ آن طور که لطف و انعام او را بهتر وانمود کند شناخته گردد، پس حکمت دادن به لقمان، او را وادار کرد تا این مراحل را در شکر طی کند و در حقیقت حکمت دادن به او مستلزم امر به شکر نیز هست (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۱۶/۳۲۲). در واقع با این تکرار، اهمیت شکر در برابر نعمت‌هایی که خدا به بندگان ارزانی داشته، بیشتر نمایان می‌شود و با توجه به بافت آیه، عامل مهمی در برجسته ساختن و نشان دادن اهمیت آن در برابر نعمت‌ها است. از سویی دیگر صوت «ک» نیز با بسامد ۵ بار تکرار، بر اهمیت جایگاه شکرگزاری نزد خداوند متعال افزوده است. «این حرف از اصوات مهموسی است که نوعی گرمی و حرارت و نشاط در آن قابل لمس است، اما وقتی همراه صدایی بلند و به صورت مفخم ادا شود، القاگر معنای تفخیم است» (عباس، ۱۹۹۸: ۷۰). نمونه برجسته‌تر این انسجام آوایی - دلالی را می‌توان در آیه ۱۵ این سوره مشاهده کرد: (وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) در این آیه به یکی از نکات مهم اخلاقی پیرامون نحوه ارتباط فرزندان با پدر و مادر و منزلگاه حقیقی بندگان و متنبه‌شدن آنان از سرانجام اعمال خود سخن به میان آمده است و طبیعی است که

شاهد کاربرد بسامد بالای حروف مجهور (۵۹ حرف) در مقابل حروف مهموس (۲۱ مورد) باشیم. حرف مجهور (م) با بسامد ۱۳ مورد، بیشترین تکرار را به خود اختصاص داده است. «هنگام تلفظ این حرف، لب‌ها به طور کامل بر یکدیگر منطبق شده و هوا به طور کامل در دهان بسته می‌شود و هوای متصاعد از شش به دلیل فشار وارد بر آن، از مجرای بینی خارج می‌شود و تارهای صوتی به لرزش درمی‌آیند» (بشر، ۲۰۰۰: ۳۴۸). این حرف بر معانی «شدت و شکستن و قطع و رقت دلالت می‌کند» (عباس، ۱۹۹۸: ۷۶). بعد از آن نیز حرف (ل) قرار دارد که بسامد ۱۰ مورد را به خود اختصاص داده است. از آن جایی که این دو حرف قریب‌المخرج هستند، تلاقی و ترکیب آن‌ها با یکدیگر بر شدت انتباه و توجه دادن مخاطب به موضوع فرمان خداوند تعالی در مورد نحوه تعامل با پدر و مادر و موارد لازم‌الاتباع از آنان اشاره می‌کند. در ادامه آیه درباره بازگشت حقیقی بندگان به سوی پروردگار و حضور آن‌ها در دادگاه عدل الهی و حسابرسی دقیق نسبت به اعمال آنان سخن به میان آمده است؛ بنابراین طبیعی است در چنین موضع بسیار خطیری از اصواتی بهره گرفته شود که موجبات بیداری و تنبه آنان را فراهم می‌سازد. از دیگر اصوات مجهور، حرف (ع) است که بسامد ۷ بار تکرار را به خود اختصاص داده است. «این حرف از جمله حرفی است که به کنندی ادا می‌شود» (زارعی‌فر، ۱۳۸۶: ۳۲). و سختی تلفظ، درشتی، سکون و وجود یک مصوت بلند در آن مزیدی بر این علت است. هنگام تلفظ این حرف، دهان به صورت عمودی باز می‌شود و کلمه، پر ادا می‌شود. این موضوع شبیه حالتی است که به هنگام تعجب به انسان دست می‌دهد. از جمله حروف مهموسی که بیشترین کاربرد را در آیه دارد، حرف (ک) است که با بسامد ۶ بار تکرار باعث ایجاد انسجام و تعادل در بافت ساختاری آیه گردیده است. بنابراین صدایی سخت و شدید ایجاد شده و تصاویری که از معنای آیات به ذهن می‌آید، با صدا ترکیب گردیده و کیفیت درک معنا را در ذهن مخاطب افزایش می‌دهد. «اصوات مجهور و مهموس از نظر میزان شدت و نرمی لرزش تارهای صوتی به هنگام نطق، زیربنای ساختار صوتی را تشکیل می‌دهند و پژوهش‌های جدید در مورد آواشناسی، ثابت کرده است میزان تواتر اصوات مجهور در هر متن ادبی در مقایسه با دیگر اصوات، بسیار زیاد است. علاوه بر آن، این اصوات به ویژگی‌های برجسته‌ای چون بالابودن شدت صوت برخلاف دیگر اصوات متمایز می‌شوند» (عبد الرحمن، ۲۰۰۶: ۸). از دیگر اصوات مجهور، صوت (ب) با بسامد ۷ بار تکرار است. «این حرف یک صدای شدید مجهور است که در هنگام ادای آن، ابتدا هوا از حنجره عبور می‌کند و تارهای صوتی را به حرکت درمی‌آورد، سپس وارد حلق و دهان می‌شود تا این که در مجرای لب‌ها، به طور کامل حبس می‌شود و آنگاه که ناگهان از هم باز شوند، صدای انفجاری را می‌شنویم. بنابراین هنگام ادای صوت (ب) و محبوس شدن هوا، در ابتدا لب‌ها بر یکدیگر منطبق می‌شوند، سپس ناگهان از یکدیگر جدا می‌شوند و صدای (ب) شنیده می‌شود» (أنیس، د.ت: ۴۶). «گسترده‌گی اصوات مجهور و مهموس در متون ادبی سایه‌ای از معنای را بر آن می‌گستراند و در صورتی که آن اصوات مجهور باشند، اهمیت و ارزش مقام بالاتر می‌رود؛ زیرا جنبش قوی موجود در این اصوات باعث افزایش توجه شنونده می‌شود» (زهار، ۲۰۱۳: ۶). از دیگر اصوات مهموس مکرر در آیه، صوت (ت) است که همنشینی آن با حروف مجهور فعل‌های (لا تُطْعِمَهُمَا) و (اتَّبِعْ) و (كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) باعث تقویت بخشی بیشتر معانی در آن‌ها شده است و شدت و قوت تأکید را در آن‌ها نشان می‌دهد.

در آیات ۱۸-۱۹: (وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ۖ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ ۖ وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ) که مضمون خطاب، نصیحت و اندرز است، بسامد بالای تکرار حروف مهموس (ت، ث، ح، خ، س، ش، ص، ط، ف، ق، ک) قابل توجه است؛ زیرا نیاز است با لحنی آرام و باوقار و

طمأنینه پیام منتقل شود تا بر دل و جان شنونده اثر کند. از سویی دیگر «در اصوات مهموس صدا فرود و احساس لطیف و نازک است و این مسئله باعث ایجاد تأمل و تلنگر درونی می‌شود» (همان: ۴) در این آیه موسیقی حاصل از تکرار کلمه «صوت» که مشتمل بر حرف «ص» است در کنار حروف «س» و «ش» باعث جلب نظر خواننده می‌شود. «ص» صدای صغیر یا سوت را به ذهن متبادر می‌کند» (نجاریان، ۲۰۰۷: ۱۸۳). می‌دانیم که اگر بخواهیم نظر کسی را به مطلبی یا چیزی جلب کنیم از این صوت استفاده می‌کنیم. مانند صدای آژیر. (خاقانی اصفهانی و پیوندی، ۱۳۹۰: ۱۳۸) به همین دلیل استفاده از اصوات مهموس در آیات این بخش که مشتمل بر مهمترین اصول اخلاقی یک شخص مؤمن است، چون، عدم تکبر، فروافتادگی و اعتدال در رفتار و گفتار برجسته‌تر گردیده است. علاوه بر این، کثرت کاربرد حرف مجهور (ل) نیز با بسامد ۱۰ مورد، باعث غلبه حس آرامش و طمأنینه و روانی بر آیات گردیده است.

در ادامه، آیات (۲۰-۳۲) بیشترین سهم اصوات مجهور و مهموس را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که از مجموع (۵۹۴) حرف، ۴۶۳ حرف مجهور و ۱۳۱ حرف مهموس هستند که در مقایسه با دیگر آیات، بسامد بسیار بالایی دارد. در آیه ۲۹: (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) ترکیب حروف مجهور (ل، م، ر، ی، ج، ن، ب، و) و مهموس (ت، ف، ه، س، ش، خ، ق، ک، م، ر، ج) باعث ایجاد نظم‌آهنگ خاصی در القای مؤثرتر معنا گردیده است؛ زیرا در اینجا موضوع بیان عظمت خلقت آفرینش آسمان‌ها و زمین، منزلگاه و مقصد خلاق و علم و حکمت او نسبت به بندگانش سخن به میان آمده است. بنابراین طبیعی است که از حروف مجهور بیشتری علاوه بر تکرار موجود در کلمات، بهره گرفته شود؛ به طوری حرف (ل) با بسامد ۱۴ بار تکرار، در صدر قرار دارد. «این حرف صدایی دندانی، لته‌ای و جانبی و مجهور است» (بشر، ۲۰۰۰: ۳۴۸) که «با بستن مجرای جلویی جریان هوا و بازکردن مجرای کناری دو طرف زبان، تولید می‌شود و جریان هوا بی‌وقفه دائما در جریان است، اما علی‌رغم آن نمی‌توان این صداها را وقفی نامید، بلکه مجرای جلویی در زمان نطق این صدا، بسته است». (أنیس، د.ت: ۱۵۳). تکرار این حرف دقیقا متناسب با آهستگی سرعت موجود در پدید آمدن پدیده‌های طبیعی شب و روز است که انسان را در خود می‌گیرند و او را به سرمزمل مقصود می‌رسانند و چنین انسجام نرم و لطیف و دقیقی، یکی از ویژگی‌های ممتاز الفاظ و عبارات قرآن است «به گونه‌ای که اگر بخواهی کلمه‌ای از آن را با کلمه‌ای دیگر جایگزین کنی در بیان مقصود به دقت کلمه قرآن نخواهد بود و نمی‌تواند تمام جوانب معانی آن را پوشش قرار دهد و خاستگاه بلاغت در کلام نیز چیزی جز دقت در مطابقت لفظ با معنا نخواهد بود و تنها راه تحقق این هدف آن است که تمام الفاظ و کلمات این زبان با مترادفات آن به ذهن متبادر شود تا در نهایت از میان آن‌ها، آنچه را که در بیان معنای مقصود و تصویر خیالی وافی تر است را برگزیند». (صالح، ۲۰۰۳: ۶۳)

علاوه بر این، حرف مجهور (ر) نیز با بسامد ۷ بار تکرار، در این نظم آوایی و دلالتی مؤثر بوده است؛ زیرا «(ر) صوتی مکرر است که از برخورد نرم دو یا سه باره گوشه زبان با سر دندان‌های فک بالایی پدید می‌آید. (ر) مانند (ل) است و هر دوی آن‌ها مجهور هستند. در حرف (ر) هوا از شش‌ها عبور کرده و به حنجره می‌رسد و تارهای صوتی را به حرکت درمی‌آورد و وارد مجرای حلق و دهان می‌شود و به مخرجش، یعنی گوشه زبان رسیده و به گوشه فک بالایی - که در آن‌جا مجرای هوا تنگ می‌شود- برخورد می‌کند» (أنیس، د.ت: ۶۶). تکرار این حرف دقیقا متناسب با مضمون آیه است که بر تکرار آثار پدیده‌های خلقت از جمله خورشید و ماه دلالت می‌کند که تا مدت زمان معینی بر طبق اراده و

مشیت الهی در جریان است و کاربست فعل مضارع (یجرّی) دال بر این استمرار و پیوستگی است و خداوندی که چنین قدرت خارق العاده ای دارد، قطعاً نسبت به احوال بندگان خویش و آنچه در کیهان در حال اتفاق است، علم و آگاهی کامل دارد و کاربرد صفت مشبّهه (خبیر) نیز حکایت از ازلی بودن آگاهی و اشراف وی در توجیه بشر به کشف عظمت خلقت موجودات زمینی و کیهانی و حوادث طبیعی دارد و از احاطه علم الهی بر امور عالم خبر می‌دهد؛ چون هر یک از پدیده های طبیعی در سیر جریان خود تابع نظام دقیقی هستند که هیچ خلل و تشویش و اضطرابی در آن نیست و همه اینها دلیل بر علم و اطلاع و قدرت مدبر آنهاست. «تکرار صوت به تکرار معنا و تصویر حاصل از آن و نیز تقویت و مبالغه در مفهوم مورد نظر منجر می‌شود. به عبارتی، افزایش یک یا چند صوت در یک آیه، به بار معنای اصلی می‌افزاید؛ زیرا پیوند صوتی میان مخارج حروف، دلالت بر معنایی ویژه دارد که هر صوت موجود در لفظ، گویای جنبه‌ای از آن معنایی است که الفاظ آیه همگی در تعبیر از آن می‌کوشند». (نحله، ۱۹۸۱: ۳۳۹)

در بخش پنجم این سوره در آیه ۳۳: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٌ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ) نیز شاهد کثرت کاربرد حروف مجهور هستیم. به طوری که از بین مجموع ۹۲ حروف به کار رفته، ۶۷ حرف مجهور به چشم می‌خورد. در بین این حروف، حرف (و) با بسامد ۱۰ مورد، بیشترین سهم تکرار را در موسیقی بخشی به آیه داشته است. خداوند در این آیه بعد از آنکه حجت‌ها و مواظ شافی و وافی خود را بیان نمود، در بیانی عمومی همه را مخاطب قرار داده و به سوی تقوا دعوت و از روز قیامت انذار می‌کند؛ قیامت می‌کند؛ قیامت می‌کند؛ قیامت می‌کند؛ قیامت می‌کند، مگر ایمان و تقوای انسان. خداوند در این آیه هر جا که سخن از وعده و شفاعت و حق بودن روز قیامت به میان می‌آید، از صوت مجهور (و) بیشترین استفاده را نموده است. گاه یک صوت تکرار می‌شود و در تکرار آن، تصویری از موقعیت و تجسمی از دلالت این صوت است. تکرار (و) در آیه متناسب با اهمیت ترس از خدا و سود نداشتن دیگران در روز قیامت برای انسان است، چه این افراد پدر و مادر باشند و چه فرزند و سایر خاندان. گویا با تکرار صامت (و)، ناکارآمد بودن تمامی چیزها به جز اعمال فرد مد نظر است. علاوه بر این تکرار صوت مجهور (ل) (بسامد ۱۲ مورد) نیز با توجه به آن چه درباره مخرج صوتی آن قبلاً سخن گفته شد، باعث ایجاد موسیقی دلنشین در کلام شده است. از سویی دیگر کاربرد نون تأکید در انتهای دو فعل مضارع (يَغُرَّنَّ) و (تَغُرَّنَّ) نیز بر شدت فریبایی دنیا دلالت می‌کند و «غرور» صفت مشبّهه‌ای است که مقصود از آن شیطان است؛ زیرا شیطان انسان را در مقابل خداوند مغرور می‌سازد. مثلاً به او می‌گوید: اگر بر طریقه باطل حرکت کنی، خداوند تو را مجازات خواهد کرد یا به او می‌گوید: رحمت خداوند گسترده است و خداوند آمرزنده مهربان است یا این که او را به توبه امیدوار سازد به این صورت که بگوید: درست است که این عمل گناه است و انسان خود را مستوجب عقاب می‌سازد، اما فرصت توبه پیش روی تو است، الآن از این گناه بهره ببر، بعداً توبه خواهی کرد». (العثیمین، ۱۴۳۶: ۱۹۷) آنچه در آیات این سوره قابل دریافت است این است که مقاطع صوتی این سوره با چینش و نظم آهنگ خاص خود، باعث روانی نطق و ایجاد موسیقی گوارایی شده‌اند که پیام پروردگار بلندمرتبه را در قالب اصواتی برجسته و برخوردار از موسیقی جذاب، نمودار می‌سازند.

جدول شماره ۱: بسامد اصوات مجهور و مهموس

صفت حروف	دفعات تکرار	درصد تکرار
مجهور	۱۱۵۳	%۷۱
مهموس	۴۶۵	%۲۹
مجموع	۱۶۱۸	%۱۰۰

#### ۲.۴. پیوند معنایی بین اصوات شدید، سایشی و متوسط

با بررسی آیات سوره، مشخص گردید، اصوات متوسط با بسامد ۷۳۹، شدید ۴۱۰ و سایشی ۳۵۲ مورد، به ترتیب بیشترین نقش را در ایجاد انسجام آوایی - معنایی سوره داشته‌اند. در آیات (۱-۹)، اصوات متوسط با بسامد ۱۰۴ مورد، بیشترین سهم تکرار را داشته و اصوات سایشی با بسامد ۷۳ و شدید ۶۳ مورد در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. ترکیب و انسجام دلالی موجود میان اصوات سه‌گانه را می‌توان در بخش‌های مختلف آیات سوره مشاهده کرد. همان‌طور که قبلاً بیان شد، بخش اول آیات (۱-۹)، به ذکر حکمت و عظمت قرآن کریم و موضع‌گیری معاندان و متخاصمان در برابر دعوت الهی اختصاص دارد: (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۞ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ) (۲-۳) در این آیات، خداوند کتاب را به لفظ «حکیم» توصیف کرده و این دلالت دارد بر اینکه هیچ‌لغو الحدیثی در آن وجود ندارد، بلکه نقطه ضعف و درزی ندارد که سخن باطل و لغو الحدیث بخواهد آن را پر کند و نیز آن را توصیف کرد به دو وصف «هدی» و «رحمة للمحسنین» تا صفت حکیم بودن قرآن را تکمیل کند. پس قرآن به‌سوی واقع و حق هدایت می‌کند و به واقع نیز می‌رساند، نه مثل لغو الحدیث که انسان را از مهمش باز داشته و به واقعی نمی‌رساند و نیز قرآن رحمت است، نه نقتم تا از نعمت باز بدارد (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۱۶/۳۱۸). در این آیه، از اصوات «ت، ک، د، ب» استفاده شده که از حروف انفجاری است. استفاده از این حروف، به مقتضای اهمیت کتاب خدا به عنوان رحمتی برای مسلمانان، برای هدایت آن‌هاست. خدا در این آیه، با استفاده از این اصوات بیان می‌دارد که تمام آیات کتابش، محکم و براساس حکمت است؛ کتابی استوار و خلل‌ناپذیر که هیچ‌نقص و عیبی در آن راه ندارد. می‌توان گفت: «قرآن کریم به سبک ریتمیک سرشار از موسیقی متناسب با معانی ممتاز است؛ بی‌آن‌که ریتم بر معنا و یا معنا بر ریتم غلبه یابد. موسیقی، قدرت تصویرپردازی را تقویت می‌کند و تأثیرات روانی، ذهنی و جسمی آن را افزایش می‌دهد از این رو انواع ریتم‌ها و الفاظی آواها می‌توانند متناسب با فضای به‌کار رفته در آن، تصاویری ذهنی از بهشت و جهنم و نفخ صور، اوصاف قیامت، عقوبت گنهکاران و پاداش نیکوکاران را در پیش چشمان خواننده ترسیم کند.» (خدابخش نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۵)

در آیه ۵: (أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) از اصوات انفجاری «أ، ر، ک، د» استفاده شده است. استفاده از این حروف، به دلیل آن است که خدا بیان می‌دارد افرادی که از کتاب او پیروی نموده و براساس دستورات کتاب و اوامر خدا، نماز به‌پادا داشته‌اند، رستگارند. به دلیل تلفظ شدید و قوی این اصوات، مجرای هوا مسدود و پس از لحظه‌ای، به‌طور ناگهانی انفجاری به‌وجود می‌آورد (انیس، ۱۳۷۴: ۲۳). در این اصوات، آهنگ کلمات تند و کوبنده است و طنین سخت و باصلابتی بر آن حکم فرماست که با موقعیت موجود در آیات، هماهنگ است. اصوات شدید در مقام بیان آیات و نشانه‌های خدا، نیکوکاران، شکرگزاری، برپاداشتن نماز و غیره به‌کار برده می‌شوند. هنگام تلفظ این

اصوات، هوا با شدت حبس نمی‌شود و تنها در هنگام خروج هوا، مجرای آن صداها تنگ می‌شود. به واسطه این تنگی مجرا، هوا در حین عبور از مخارج صداها، نوعی سایش ایجاد می‌کند (انیس، ۱۳۷۴: ۲۳) ادامه آیات بخش اول: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿۷﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بَعْدَآبِ أَلِيمٍ ﴿۶﴾) درباره صفات گمراهانی است که هدفشان پذیرش و نقل احادیث باطل و منحرف ساختن مردم از گرایش به سوی سخن حق الهی است. در این دو آیه، خداوند در توییح این کردارهای ناشایست، وعده عذاب را به آنان می‌دهد. آنچه قابل ملاحظه است، ترکیب و همنشینی زیبا و مناسب اصوات متوسط (ل، م، ن، ر، ع)، شدید (أ، ب، ت، د، ک، ق) و سایشی (ف، ذ، س، ه) است که باعث ایجاد همبستگی میان لفظ و معنا گردیده است؛ به طوری که در این بین، اصوات متوسط با بسامد ۴۰ مورد بیشترین سهم را در تکرار داشته‌اند و بعد از آن اصوات شدید با بسامد ۲۶ و اصوات سایشی با بسامد ۲۰ مورد قرار می‌گیرند. اما نکته قابل توجه این است که سهم تنوع اصوات شدید بیشتر است؛ به طوری که صوت «همزه» بیشترین سهم را القای معنا داشته است و این موضوع دقیقاً متناسب با سیاق آیات و معانی شدت است و در یک نظم منسجم و متوازن با فضای تحقیر و تهدیدی قرار دارد که در پی عذاب کافران و جهنمیان متصور است؛ زیرا «همزه صدایی شدید است و نطق آن نیازمند تلاش عضلانی زیادی است که سبب می‌شود در ردیف سخت‌ترین صداها قرار گیرد» (انیس، د. ت: ۹۰). در ادامه آیات وقتی سخن از آفرینش آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و جنبندگان و آب به میان می‌آید: (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تُمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَثْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ رَوْحٍ كَرِيمٍ ﴿۱۰﴾ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۱۱﴾) کثرت تنوع کاربرد اصوات به قوت خود ادامه می‌یابد؛ به طوری که اصوات متوسط (ل، م، ن، ع، ر) با بسامد ۵۰ مورد و اصوات شدید (أ، ب، ت، د، ک، ق) با بسامد ۲۹ و سایشی با بسامد ۲۷ مورد، سهم بسزایی در انسجام آوایی- دلالی دارند و حقیقتاً به اقتضای مقام تکرار شده‌اند؛ چرا که در اینجا سخن از یادآوری عظمت خلقت خداوند است و کاربرد اصوات متوسط توجیه بیشتری دارد. در بخش سوم آیات (۱۲-۱۹) نیز بسامد بالای اصوات متوسط به چشم می‌خورد. در آیه ۱۶: (يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ) لقمان در اندرز به فرزند خویش از عاقبت اعمال انسان صحبت می‌کند و سفارش‌های سودمندی نقل می‌کند تا مردم آن را الگوی زندگی خویش قرار دهند. بنابراین فرمود: (يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ) یعنی اگر ظلم و گناه و تقصیر به اندازه مثقال دانه خردلی باشد. برخی بر این عقیده‌اند که ضمیر در «إِنَّهَا»، شأن و قصه است و به همین دلیل رفع (مثقال) جایز است اما حکم اول مرجح است. و جمله «يَأْتِ بِهَا اللَّهُ» یعنی خداوند، زمانی که ترازوهای قسط و داد را در روز قیامت قرار می‌دهد، آن را آماده می‌کند و در صورتی که کرداری نیکو باشد، جزای نیکو و در صورتی که بد باشد، جزای بد داده می‌شود و اگر آن ذره، داخل تخته سنگی سخت یا در کنه آسمان‌ها و زمین باشد، خداوند آن را آماده می‌سازد؛ چرا که هیچ چیزی از علم و درک وی پنهان نمی‌ماند؛ حتی به اندازه ذره‌ای در میان آسمان‌ها و زمین باشد و به همین دلیل خداوند تعالی فرمود: (إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ). یعنی نسبت به همه چیز علم و آگاهی کامل دارد و هیچ چیز؛ هر چند ظریف و کوچک و بی‌مقدار باشد، از وی پنهان نمی‌ماند. (خَبِيرٌ) یعنی نسبت به حرکت مورچه در شب تاریک و تیره نیز آگاهی دارد. (ابن‌کثیر، ۱۴۳۱ق، ۱۱۶/۶) در این آیه، اصوات متوسط با بسامد ۱۶، شدید ۲۰ و سایشی ۱۶ مورد به کار رفته‌اند. در بین اصوات شدید، حرف (أ) با بسامد ۷ مورد تکرار، بیشترین سهم را در اهمیت و



تأکیدبخشی معنای آیه داشته است و این موضوع دقیقاً متناسب با ویژگی محتوایی آن است؛ زیرا ماهیت اندرز و ارشاد نیازمند آن است که توقف در صوت (أ) صورت بگیرد، سپس منفجر شود و مخرج همزه دیافراگم است؛ «زیرا هنگام نطق همزه، فتق دیافراگم به طور کامل بسته می‌شود و اجازه عبور هوا به حلق داده نمی‌شود، سپس یک‌دفعه باز می‌شود و صدای انفجاری شنیده می‌شود که از آن به همزه تعبیر می‌کنیم. بنابراین همزه صدایی انفجاری و شدید است، نه مجهور و نه مهموس؛ زیرا فتق دیافراگم همراه با آن به طور کامل بسته می‌شود و ارتعاش دو آکورد را از آن نمی‌شنویم و تنها در صورتی که فتق دیافراگم که منشأ پیدایش همزه است، به صورت ناگهانی باز شود، هوا اجازه عبور به حلق را پیدا می‌کند و شکی نیست که محبوس ماندن کامل هوا در دیافراگم، سپس گشوده شدن ناگهانی آن، فرایندی است که نیازمند تلاش عضلانی زیادی در مقایسه با دیگر اصوات است که سبب می‌شود ما همزه را یکی از سخت‌ترین صداها بدانیم و در کتاب‌های قرائات احکام مختلفی برای آن وضع شود» (أنیس، د.ت: ۸۷). از دیگر حروف پرکاربرد آیه، صوت (ف) است که با بسامد ۵ بار تکرار، بیشترین سهم را در معنابخشی آن داشته است. «این صوت، در عربی یک صوت سایشی مهموس است. به این صورت که هوا از حنجره عبور می‌کند، بدون این که تارهای صوتی به لرزش درآیند، سپس هوا وارد حلق و دهان می‌شود و به مخرج صوت یعنی لب پایین و اطراف دندان‌های بالا می‌رسد و هنگام مخرج صوت، مجرای آن تنگ می‌شود و تراش برجسته‌ای را می‌شنوی که باعث سایش (ف) می‌شود». (همان: ۴۷). از دیگر حروفی که سهم بالایی در تکرار دارد، حرف متوسط (ن) است که ۶ بار تکرار شده است و ائتلاف و هماهنگی و توازن میان این سه حرف شدید و متوسط و سایشی، سبب شده است تا علاوه بر حفظ تعادل ساختار آهنگین آیه، مقصود الهی در انداز به بندگان خویش در مورد حسابرسی روز قیامت، به شکل برجسته‌تری نشان داده شود.

در آیه ۱۹: (وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصُصْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ) ترکیب و همنشینی حروف سایشی (ق)، (ص)، (ف)، (ش)، (ک)، (ت)، (ح) با بسامد تکرار بیشتر حرف (ص) باعث ایجاد نوعی موسیقی لطیف و آرام در آن شده است؛ چرا که حرف «ص» از جمله حروف صفیری (سوت مانند) است که تقلیدی از صداهای طبیعت است. دکتر حسن عباس می‌گوید: این ویژگی‌های صوتی، ماهیت برجسته‌ای به این حرف بخشیده است؛ به طوری که آن را بر معانی بیشتر حروف برتری داده و باعث نیکوشدن صوت و برجسته شدن معنای کلمات مقرون با آن شده است و به دلیل برخوردار بودن از صلابت موجود در آن، به آن شدت و فاعلیت بخشیده است و در ساختار صفیری آن، ماده صوتی متمایزی است که شباهت بسیار زیادی به صداهای انسان و حیوانات و پدیده‌های طبیعت دارد. از بین ۱۴۵ مصدری که در «معجم الوسیط» با حرف (ص) شروع می‌شود، معانی ۲۶ مصدر آن بر اصواتی دلالت می‌کنند که بیشتر آن‌ها همگون با ویژگی‌های صوتی آن است». (عباس، ۱۹۹۸: ۴۹)

در ادامه آیات این بخش، آیه ۲۰ این سوره: (أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ) قرار می‌گیرد. در این جا اصوات متوسط با بسامد ۳۰، سایشی ۱۸ و متوسط ۱۸ مورد به کار رفته‌اند. از بین اصوات متوسط بیشترین سهم تکرار مربوط به حرف (م) با بسامد ۱۰ و (ن) با بسامد ۶ بار است. و «این دو حرف از جمله اصواتی هستند که به دلیل کثرت کاربرد تکرار آن‌ها در قرآن کریم، گوش‌ها انس و الفت بیشتری با آن‌ها دارند و این کثرت ورود در قرآن کریم باعث برجستگی و تمایز آن‌ها در این کلمات شده است» (النجار، د.ت: ۲۳۶) و دلیل آن صفت غنّه موجود در این اصوات است. در این آیه

با توجه به این که هدف خداوند تعالی آشنا کردن با نعمت‌های بیکرانی است که به بندگانش ارزانی شده است نه منت گذاشتن، با نگاهی عطف‌افانه و لبریز از آرامش به بندگانش می‌نگرد؛ به طوری که بسامد بالای کاربرد اصوات متوسطه گواه بر این مدعا است؛ «چرا که این اصوات از واضح‌ترین اصوات صامته هستند که مخرج آن‌ها بینی و کنار است» (بشر، ۲۰۰۰: ۲۱۸) و از سویی دیگر این مسئله کاملاً طبیعی است؛ زیرا در این سوره درباره موضوعات مهمی بحث شده است از جمله اعتقاد به عالم برزخ، فانی بودن سرای دنیوی و حسابرسی کامل و دقیق انسان در عرصه محشر الهی، بیان نکات اخلاقی و دینی ارزشمندی که سعادت زندگی دنیوی و اخروی انسان را شکل می‌دهند. بر همین اساس حضور اصوات متوسطه بسیار پر رنگ است و از دلایل تکرار آن‌ها، برخورداری این اصوات از درجه زیادی از وضوح شنیداری است.

در بخش چهارم و پنجم سوره که به موضوع اعتقاد به توحید و مبدأ و معاد اختصاص دارد، هم‌چنان شاهد تنوع کاربرد اصوات سه‌گانه هستیم. در آیه ۳۱: (أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ) خداوند به ذکر یکی از نعمت‌های شگفت‌انگیز خود که همان گردش کشتی است پرداخته است. در این آیه اصوات متوسطه بسامد ۲۰، شدید ۱۷ و سایشی ۵ مورد تکرار را داشته‌اند. بیشترین سهم تکرار را در بین حروف متوسطه حرف (ل) با بسامد ۹ و حرف (ر) با بسامد ۶ و حرف شدید (ت) با بسامد ۵ بار، تشکیل می‌دهند؛ به طوری که انسجام و تألف موجود میان آن‌ها، باعث القای بهتر معانی شده است؛ زیرا خداوند هدف از اعطای این نعمت بزرگ به انسان‌ها را نشان دادن گوشه‌ای از آیات عظمتش دانسته و می‌فرماید: «هدف این است که گوشه‌ای از آیات عظمتش را به شما نشان دهد: (لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ)» گفته شده بدون شک، حرکت کشتی‌ها بر صفحه اقیانوس‌ها نتیجه مجموعه‌ای از قوانین آفرینش است. حرکت منظم بادها از یک سو، وزن مخصوص چوب یا موادی که با آن کشتی را می‌سازند، از سوی دیگر، میزان غلظت آب از سوی سوم، فشاری که از ناحیه آب بر اجسامی که در آن شناورند می‌آید از سوی چهارم؛ هرگاه در یکی از این امور اختلالی رخ دهد، کشتی در قعر دریا فرومی‌رود و واژگون می‌شود و یا در وسط دریا سرگردان و حیران می‌ماند، اما خداوند اراده کرده، پهنه دریاها را بهترین شاهراه برای مسافرت انسان‌ها و حمل مواد مورد نیاز از نقطه‌ای به نقطه دیگر قرار دهد. این شرایط را که هر یک نعمتی از نعمت‌های او است، فراهم سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۶۸/۱۷). گفته شده است: حرف «ب» در عبارت «بنعمت الله»، سببیت است و ذکر نعمت به دلیل مقدمه‌چینی برای آخر آیه و اشاره‌ای است به وجوب شکر خدای تعالی در برابر نعمتش برای اینکه شکر منعم واجب است. لذا معنای آیه این است: آیا نمی‌بینی که کشتی در دریا به وسیله نعمت او به حرکت درمی‌آید؟ و آن نعمت عبارت است از: اسباب حرکت، جریان کشتی، باد و رطوبت داشتن آب و امثال آن. (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق، ۲۳۷/۱۶) برخی از مفسران نیز احتمال داده‌اند که «ب» مذکور، «ب» تعدیه و یا به معنای «مع» باشد و مراد از «نعمت»، طعام و سایر محصولات باشد که کشتی‌ها بارگیری می‌کنند. (الآلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۳/۱۱)

جدول شماره ۲: بسامد اصوات شدید، سایشی و متوسط

صفات حروف	دفعات تکرار	درصد تکرار
شدید	۴۱۰	۲۷%

سایشی	۳۵۲	۲۴%
متوسط	۷۳۹	۴۹%
مجموع	۱۵۰۱	۱۰۰%

##### ۵. نتیجه

با بررسی آیات این سوره مشخص گردید ارتباط بین جنبه‌های صوتی و دلالتی آیات کاملاً مشهود است و تناسب تام وجود دارد. اصوات مجهور با بسامد ۷۱٪، متوسط ۴۹٪، بیشترین سهم را در القای معانی آیات داشته‌اند و بعد از آن‌ها اصوات مهموس با بسامد ۲۹٪، شدید ۲۷٪ و سایشی ۲۴٪ به کار رفته‌اند؛ زیرا در این سوره علاوه بر مکی بودن آن، درباره موضوعات مهمی چون: عظمت قرآن کریم، خلقت خداوند، رستاخیز عظیم قیامت و توحیدگرایی و برخی ارزش‌های اخلاقی سخن به میان آمده است که نیاز به کارگیری اصوات مجهور و متوسط را در کنار دیگر اصوات بیشتر می‌کند و این تکرار الفاظ، باعث ایجاد آهنگ موسیقایی خاصی می‌شود که گوش‌های مخاطبان به آسانی و سهولت آن را می‌شنود و افکار و اندیشه‌های مکنون را در ذهن و اندیشه مخاطبان تثبیت می‌کند. اصوات به کار رفته در سوره لقمان در خدمت معانی برخاسته از سیاق آیات هستند و به همین دلیل در مواضعی که درباره موضوعاتی سخن گفته می‌شود که وضوح و شدت نیاز است از اصوات مجهور و شدید برای تأثیرگذاری بیشتر در ذهن مخاطبان استفاده می‌شود؛ زیرا جهر صفتی بسیار قوی است که از تأثیر شنوایی زیادی برخوردار است و چون ریتمی کوبنده بر دل و جان مخاطب دارد، باعث بیدار شدن و برانگیختن احساسات درونی وی می‌شود و او را به تدبر و تفکر در نظام آفرینش و هستی دعوت می‌کند و در مواضعی که نیاز است احساسات لطیف مخاطب برانگیخته شود از اصوات مهموس و سایشی برای ایجاد حس آرامش و طمأنینه در وی استفاده می‌شود و بدین ترتیب انسجام خوبی با نظام معنایی برخاسته از آیات صورت می‌گیرد و این موضوع یکی از مهمترین جنبه‌های اعجاز قرآن کریم را تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که در تعبیرهای قرآنی واژگان، به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که تناسب آوایی میان حروف کلمات و معانی آن‌ها وجود دارد و جایگزین کردن آن‌ها با واژگان دیگر مفید معنای اصلی، غیرممکن است.

##### ۶. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن جئی، ابوالفتح عثمان (۱۹۵۴). سر صناعة الإعراب، تحقیق: مصطفی سقا والآخرن، مصر: مكتبة المصطفى الحلبي.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر (د.ت). التحرير والتنوير، د.م: دار التونسية للنشر.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۳۱ق). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: حکمت بن بشیر بن یاسین، القاهرة: دار ابن الجوزي للنشر والطباعة.
۴. اميدالله کاشانی، عباس (۱۳۶۳). علم قرائت، بی‌جا: انتشارات ناس.
۵. أنیس، إبراهيم (د.ت). الأصوات اللغوية، القاهرة: نهضة مصر.

۶. أنیس، ابراهیم (۱۳۷۴). آواشناسی زبان عربی، ترجمه ابوالفضل علامی میانجی و صفر سفیدرو. تهران: واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.
۷. أولمان، ستیفن (د.ت). دور الكلمة في اللغة، ترجمة وتقديم وتعليق: كمال بشر، ط ۱۲، القاهرة: دار غريب للطباعة والنشر.
۸. الالوسي، سيد محمود (۱۴۱۵ق). روح المعاني، تحقيق: علي عبد الباري عطية، بيروت: دار الكتب العلمية.
۹. باقری، مهري (۱۳۸۰). مقدمات زبان شناسی، تهران: نشر قطره.
۱۰. بشر، کمال (۲۰۰۰). علم الأصوات، القاهرة: دار غريب.
۱۱. پورفرزيب، ابراهيم (۱۳۷۷). تجويد جامع، تهران: سمت.
۱۲. الجاحظ، عمر بن بشر (د.ت). البيان والتبيين، تحقيق: فوزي عطوي، بيروت: دار العودة.
۱۳. حق شناس، علي محمد (۱۳۶۹). آواشناسی، تهران: نشر آگاه.
۱۴. الحوی، سعید (۱۴۲۴ق). الأساس في التفسير، ط ۶، القاهرة: دار السلام.
۱۵. خاقانی اصفهانی، محمد و قاسم پیوندی، زهرا (۱۳۹۰). «بررسی سبک شناختی فرمان حکومتی امام علی (ع) به مالک اشتر»، فصلنامه کتاب قیّم، س ۱، ش ۳، صص ۱۲۹-۱۴۸.
۱۶. خدابخش نژاد، مهرانگیز و دیگران (۱۳۹۷). «سبک شناسی لایه‌ای سوره نبا (لایه نحوی، آوایی، واژگانی)»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، س ۶، ش ۲، صص ۱۳۷-۱۶۱.
۱۷. دیهیم، گیتی (۱۳۵۸). درآمدی بر آواشناسی عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۱۸. رجب، ابراهیم مصطفی ابراهیم (۲۰۰۲). البنية الصوتية ودلالاتها في شعر عبد الناصر صالح؛ دراسة تاريخية وصفية تحليلية، رسالة ماجستير، إشراف: فوزي إبراهيم فياض، قسم اللغة العربية، كلية الآداب، الجامعة الإسلامية بغزة.
۱۹. زارعی فر، ابراهیم. (1386). «موسیقی در شعر حافظ ابراهیم»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، دوره ۳، شماره ۷، صص ۲۳-۳۹.
۲۰. زهار، محمد و صالح قسیس (۲۰۱۳). «من وظائف الصوت وجمالية الإيقاع في النَّصِّ الشعري الجزائري؛ نماذج من قصيدة فتاة الظهر لسعد مردف»، مجلة الممارسات اللغوية، العدد ۲۰، صص ۲۱-۴۴.
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۱). مربی نمونه: تفسیر سوره لقمان، قم: موسسه امام صادق.
۲۲. السلامی، عمر. (د.ت) الإعجاز الفني في القرآن، تونس.
۲۳. صالح، معین رفیق أحمد. (۲۰۰۳). دراسة أسلوبية في سورة مريم، رسالة ماجستير، إشراف: خليل عودة، كلية الدراسات العليا، نابلس: جامعة النجاح الوطنية.
۲۴. الصغير، محمد حسين علي. (۲۰۰۰). الصوت اللغوي في القرآن، بيروت: دار المؤرخ العربي.
۲۵. الطباطبائي، سيد محمد حسين. (۱۴۱۷ق). الميزان في تفسير القرآن، ط ۵، قم: منشورات جامعة المدرسين في حوزة العلمية.
۲۶. طباطبایی، سيد محمد حسين (۱۳۹۱). الميزان في تفسير القرآن، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني، قم: دار الفكر.
۲۷. طليمات، غازي مختار. (۲۰۰۰). في علم اللغة. ط ۲، دمشق: دار طلاس.

۲۸. عباس، حسن. (۱۹۹۸). خصائص الحروف العربية ومعانيها، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
۲۹. عبد الرحمن، مروان محمد سعيد. (۲۰۰۶). دراسة أسلوبية في سورة الكهف، رسالة ماجستير، نابلس: جامعة النجاح الوطنية.
۳۰. العثيمين، محمد بن صالح. (۱۴۳۶ق). تفسير القرآن العظيم، سورة لقمان، القصيم: مؤسسة الشيخ محمد بن العثيمين الخيرية.
۳۱. علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورت‌گرایی و ساختارگرایی)، تهران: سمت.
۳۲. فالك، جوليا اس. (۱۳۷۱). زبان‌شناسی و زبان، ترجمه خسرو غلامعلی زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۳. مشکوة الدينی، مهدي (۱۳۷۰). ساخت آوایی زبان، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۴. المصطفوي، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق في كلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۵. مكارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسير نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۶. النجّار، ماجد. (د.ت). من ملامح الدراسة الصوتية في القرآن الكريم، مجلة أهل البيت عليهم السلام، العدد ۴، صص ۲۲۲-۲۵۱.
۳۷. النّحاس، مصطفي (۱۴۱۵ق). من قضايا اللغة. كويت: مطبوعات جامعة الكويت.
۳۸. نحلة، محمود أحمد. (۱۹۸۱). لغة القرآن الكريم في جزء عمّ، دار النهضة العربية.
۳۹. وال ورك، جی. اف (۱۳۵۴). زبان و زبان‌شناسی مقدمه یی بر مطالعه زبان، ترجمه حمید سرهنگیان، تبریز: چاپخانه شفق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی